

Research Article

Silent Divorce, the Background of Marriage Breakup in the Contemporary Industrial World: A Qualitative Analysis

Hossein Sedaghat ¹ 

Assistant Professor, Department of Social Sciences, Islamic Azad University, Babol, Iran.

Received: 2025/11/23 Accepted: 2026/02/05

<https://doi.org/10.22034/jis.2026.2078677.1046> 

Extended Abstract

Introduction: Divorce, legal process for ending a marriage, is rapidly on the rise globally. Although it is affected by a wide range of factors, some characteristics of the modern industrial world, such as individualism, women's participation in the workforce, the expansion of women's education, and the development of new technologies such as the Internet and social networks, have exacerbated it. Marriages often do not end suddenly and usually arise after a silent divorce. Silent divorce is the basis for divorce, and identifying it can help alleviate the social problem of divorce. Considering the rapid growth of divorce in Iran on the one hand and its harmful consequences on couples, children, families, and society on the other, the present study seeks to study silent divorce as the starting point of the collapse of marriage and family.

Method: This research was conducted using a qualitative methodology by employing the thematic analysis method. The participants in the study were 18 married men and women involved in silent divorce in Kerman city who had referred to counseling centers. Purposive sampling was employed to select the samples and an attempt was made to ensure maximum diversity. A semi-structured interview technique was utilized to collect data, and the interviews continued until theoretical saturation was achieved.

Findings: The results showed that 71 initial codes were obtained in the form of 19 sub-themes (inability and skill in making love, emotional interactions of couples, changing beliefs about married life, conflicts and unproductive interactions, religious beliefs, addiction to drugs and alcohol, sexual problems, desire for freedom and independence, marital infidelity, rebuilding a new life, emotional and behavioral incompatibility, inappropriate pattern of choosing a spouse, interference and disregard for the boundaries of married life, lack of skill and maturity in choosing a spouse, inability to solve problems and conflicts in life, lack of investment in the spouse, lack of investment in children, lack of marital relationship literacy, financial and economic concerns).

Conclusion: Divorce rates in the contemporary industrial world are increasing at an alarming rate, with detrimental consequences. A basic solution in this regard is to identify "silent divorce" as a primary cause. Based on the findings of this study, it seems that a range of factors contribute to the emergence of silent divorce. The study concludes that most of the causes of silent divorce are avoidable, and through the implementation of effective interventions, it is possible to work towards reducing divorce.

Keywords: Divorce, Silent divorce, Thematic analysis, Kerman

Citation: Sedaghat, H. (2025). Silent Divorce: The Background of Marriage Breakeup in the Contemporary Industrial World: A Qualitative Analysis. *Journal of Industrial Sociology*, 2(2), 202-223.

مقاله پژوهشی

طلاق خاموش، پیش زمینه گسست ازدواج در دنیای صنعتی معاصر: یک تحلیل کیفی

حسین صداقت^۱ 

استادیار، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۶

<https://doi.org/10.22034/jis.2026.2078677.1046> 

چکیده مبسوط

مقدمه: طلاق، به عنوان فرآیند قانونی گسست ازدواج، به سرعت در سراسر جهان در حال افزایش است. اگرچه، این پدیده متأثر از گستره‌ای از عوامل است اما برخی ویژگی‌های دنیای صنعتی نوین مانند فردگرایی، مشارکت زنان در نیروی کار، گسترش تحصیلات زنان و توسعه فناوری‌های نوین اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، باعث تشدید آن شده‌اند. ازدواج‌ها معمولاً به طور ناگهانی از هم نمی‌پاشند و معمولاً در پی «طلاق خاموش» پدید می‌آیند. «طلاق خاموش»، زمینه‌ساز طلاق است و شناسایی آن می‌تواند به تسکین مساله اجتماعی طلاق کمک کند. با توجه به رشد سریع طلاق در ایران از یک سو و پیامدهای زیانبار آن بر زوجین، فرزندان، خانواده‌ها و جامعه از سوی دیگر، پژوهش حاضر به دنبال آن است که «طلاق خاموش» را به عنوان نقطه آغازین فروپاشی ازدواج و خانواده، بررسی کند.

روش: این پژوهش در چارچوب روش‌شناسی کیفی و با استفاده از روش تحلیل تماتیک انجام شده است. مشارکت کنندگان در پژوهش، ۱۸ نفر از زنان و مردان متأهل درگیر «طلاق خاموش» در شهر کرمان بودند که به مراکز مشاوره، مراجعه کرده بودند. جهت انتخاب نمونه‌ها از نمونه‌گیری هدفمند استفاده و تلاش گردید حداکثر تنوع وجود داشته باشد. برای گردآوری داده‌ها از تکنیک مصاحبه نیمه ساختار یافته استفاده شد و مصاحبه‌ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافتند.

یافته‌ها: نتایج نشان داد ۷۱ کد اولیه در قالب ۱۹ تم فرعی (عدم توانایی و مهارت در عشق ورزیدن، تعاملات عاطفی زوجین، تغییر باورهای زندگی زناشویی، تعارضات و تعاملات غیر سازنده، اعتقادات دینی و مذهبی، اعتیاد به مواد مخدر و مشروبات الکلی، مشکلات جنسی، میل به آزادی و استقلال، خیانت زناشویی، بازسازی زندگی جدید، ناسازگاری عاطفی و رفتاری، الگوی نامناسب انتخاب همسر، دخالت و بی‌توجهی به مرزهای زندگی زناشویی، عدم مهارت و رشد یافتگی برای انتخاب همسر، عدم توانایی حل مشکل و تعارض در زندگی، فقدان سرمایه‌گذاری برای همسر، فقدان سرمایه‌گذاری برای فرزندان، فقدان سواد رابطه زناشویی، دغدغه‌های مالی و اقتصادی) به‌دست آمد.

نتیجه‌گیری: پدیده طلاق در دنیای صنعتی معاصر با سرعت شگفت‌انگیزی در حال افزایش است و تداوم آن، پیامدهای زیانباری به دنبال دارد. یک راهکار اساسی در این زمینه، شناسایی «طلاق خاموش» به عنوان بستر و زمینه‌ساز طلاق است. با استناد به یافته‌های این پژوهش، به نظر می‌رسد گستره‌ای از عوامل باعث شکل‌گیری «طلاق خاموش» می‌شوند و بخش اعظم بسترهای «طلاق خاموش» قابل پیشگیری هستند و با انجام اقدامات و مداخلات مؤثر و کارآمد، می‌توان به کاهش طلاق، کمک کرد.

کلیدواژه‌ها: طلاق، طلاق خاموش، تحلیل تماتیک، کرمان.

ارجاع: صداقت، حسین. (۱۴۰۴). طلاق خاموش، پیش زمینه گسست ازدواج در دنیای صنعتی معاصر: یک تحلیل کیفی. *مجله جامعه‌شناسی*

صنعتی، ۲(۲)، ۲۰۲-۲۲۳.

۱. ایمیل نویسنده مسئول: andishvarzan@gmail.com

مقدمه

خانواده یکی از ارکان اساسی و مهم هر واحد اجتماعی است و برقراری روابط رضایت‌بخش و داشتن رضایت زناشویی پایه استحکام آن را تشکیل می‌دهد (مهرپرور و همکاران، ۱۴۰۴). نقطه آغاز شکل‌گیری خانواده ازدواج است. اما پس از ازدواج، خانواده در یکی از سه مسیر بالندگی، آشفتگی و گسستگی قرار گرفته و شروع به حرکت می‌کند (حسن^۱، ۲۰۲۲). اگرچه، طلاق در جوامع پیشین نیز وجود داشته اما نرخ آن در دنیای صنعتی به سرعت رو به افزایش گذاشته است، به گونه‌ای که برآورد می‌شود از هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت جهان، ۲ نفر طلاق گرفته‌اند (طلاق دات کام^۲، ۲۰۲۴). طلاق، به عنوان پدیده‌ای چندوجهی، متأثر از گستره‌ای از عوامل از سطوح خرد تا کلان است. هرچند، عوامل فردی نقش مهمی در وقوع طلاق دارند (کندال^۳، ۲۰۱۱) اما برخی عوامل در دنیای صنعتی در سطح کلان، نقش مهمتری در وقوع طلاق داشته‌اند. کم‌رنگ شدن انگ اجتماعی طلاق (لی^۴، ۱۹۸۲)، آسان‌تر شدن فرآیند قانونی طلاق (مارول^۵، ۱۹۸۹)، افزایش فردگرایی (اندرسون و تیلور^۶، ۲۰۱۶)، افزایش مشارکت زنان در نیروی کار (تیشلر^۷، ۲۰۱۰)، گسترش تحصیلات در بین زنان (ماشونیس^۸، ۲۰۱۷) و توسعه فناوری‌های نوین اینترنت و شبکه‌های اجتماعی (نولان و لنسکی^۹، ۲۰۱۴) برخی از این عوامل بوده‌اند که به رشد فزاینده طلاق کمک کرده‌اند. در حالیکه، طلاق، به عنوان وجه آشکار پدیده‌ای از هم‌گسستگی زندگی زناشویی، عینی و آمارهای آن در دسترس است اما بسیاری از زوجین ناسازگار

به دلایل مختلف از هم جدا نمی‌شوند و در وضعیتی آشفته و رنج‌آفرین به زندگی زناشویی ادامه می‌دهند که از آن به «طلاق خاموش» تعبیر می‌شود (جاسنون^{۱۰} و همکاران، ۲۰۲۲). در وضعیت «طلاق خاموش» زوجین با هم زندگی می‌کنند ولی به دلایل مختلف تقاضای طلاق قانونی نمی‌کنند (رضایی و اسکینی، ۱۴۰۴؛ امیدپور و همکاران، ۱۴۰۴). «طلاق خاموش»، به عنوان نخستین مرحله فرایند طلاق، از یک سوی بیانگر نرخ‌های آتی طلاق در جامعه است که دیر یا زود اتفاق می‌افتند، و از سوی دیگر زمینه‌ساز وقوع برخی آسیب‌های مهم اجتماعی همچون اعتیاد، الکلیسم، انحرافات جنسی و غیره، نزد زوجین یا فرزندان آنهاست (امامی و عرب مقدم، ۱۴۰۴؛ اعتمادی و خباززاده، ۱۴۰۳؛ عابدی و لولکلائی و همکاران، ۱۴۰۳). این امر باعث شده است، توجه به «طلاق خاموش» به عنوان نقطه آغاز «طلاق» مورد توجه قرار گیرد (ارباب زاده و همکاران، ۱۴۰۱). حسب شواهد و مستندات، در ایران در سال ۱۴۰۲، بالغ بر ۴۸۱۳۹۴ واقعه ازدواج و ۲۰۲۳۷۴ واقعه طلاق ثبت شده‌اند که نشان می‌دهند، تقریباً نیمی از ازدواج‌ها به طلاق منجر می‌شود (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۳). این وضعیت در استان کرمان نیز وجود دارد و از مجموع کل طلاق‌های ثبت شده در کشور، ۱۴۷۵۹ مورد مربوط به استان کرمان بوده است (توکلی، ۱۴۰۳). اگرچه، برخی از طلاق‌ها به عنوان یک «راه حل اجتماعی» نام می‌برند اما طلاق اساساً تجربه‌ای ناخوشایند با پیامدهای روانی اجتماعی است و به همین دلیل تلاش‌های زیادی در سراسر

6. Anderson & Taylor
7. Tischler
8. Macionis
9. Nolan & Lenski
10. Johannsen

1. Hasan
2. Divorce.com
3. Kendall
4. Lee
5. Marvell

جهان صورت می‌گیرد تا نرخ آن کاهش و از پیامدهای ناگوار آن کاسته شود. با توجه به رشد فزاینده طلاق در ایران از یک سو و پیامدهای زیانبار طلاق بر زوجین، فرزندان، خانواده‌ها و جامعه از سوی دیگر، پژوهش حاضر به دنبال آن است که «طلاق خاموش» به عنوان نقطه آغازین فروپاشی ازدواج و خانواده را با رویکرد کیفی تحلیل تماتیک، مطالعه و الگویی جامعه‌شناختی از عوامل مرتبط با این پدیده را ارائه نماید. از این رو محقق در پی پاسخ به این سؤال است که طلاق خاموش چگونه پیش زمینه گسست ازدواج در دنیای مدرن می‌گردد؟

پیشینه پژوهش

شعاع کاظمی و همکاران (۱۴۰۴) در پژوهشی پدیدارشناختی، به مطالعه ابعاد مثبت رشد پس از طلاق در زنان مطلقه شهر تهران پرداختند. نتایج نشان داد، زنان پس از پذیرش و گذر از رنج طلاق، با گذشت زمان (عامل مداخله‌گر) و در بستری از عوامل درونی و بیرونی مانند اعتقادات مذهبی، حمایت خانواده، ویژگی‌های شخصیتی و با اتخاذ راهبردهای رشد آفرین از جمله مدیریت بحران و مهارت حل مسئله، مدیریت روابط بیناجنسیتی، خود مراقبتی و استفاده از پتانسیل‌های محیطی، می‌توانند به رشد و شکوفایی دست یابند. آسایش و همکاران (۱۴۰۳) در پژوهشی به مطالعه پیامدهای طلاق عاطفی از دیدگاه مردان پرداختند. این پژوهش که به روش پدیدارشناختی انجام شد منجر به استخراج چهار مضمون پیامدهای ارتباطی والد فرزندی، پیامدهای ارتباطی خویشاوندی، تأثیر بر عملکرد فرزندان و پیامدهای شغلی گردید. فریدون اصل و همکاران (۱۴۰۳) در پژوهشی به

مطالعه تجربه زیسته زنان در مواجهه با طلاق عاطفی پرداختند. نتایج این تحقیق به یک زندگی مردابی اشاره دارد؛ مردابی مملو از سیاهی و خشونت که زنان را به رغم تقلای فراوان برای رهایی از آن، بیش از پیش در کام خود فرو می‌برد. الشهرانی و حمد^۱ (۲۰۲۳) در پژوهشی به بررسی رابطه طلاق عاطفی و ناگواری هیجانی در زنان متأهل در عربستان سعودی پرداختند. نتایج نشان داد، ۷۸/۴ درصد از پاسخگویان، طلاق عاطفی متوسط تا شدید را تجربه کرده بودند. زنان شاغل، آنهایی که بیش از ده سال ازدواج کرده بودند، و آنهایی که پنج فرزند یا بیشتر داشتند، در مقایسه با همتایان خود، طلاق عاطفی بیشتری را نشان دادند. همچنین یافته‌ها نشان داد، ناگویی هیجانی به طور معناداری با طلاق عاطفی در این نمونه ارتباط دارد. این نتایج بیانگر لزوم بررسی پیامدهای منفی طلاق عاطفی بر خانواده و جامعه است. قرابیه^۲ و همکاران (۲۰۲۳) طی تحقیقی به بررسی روح‌های جدا در زیر یک سقف: دیدگاه زنان اردنی از طلاق عاطفی پرداخت. نتایج نشان داد طلاق عاطفی با احساس قطع ارتباط و جدایی از همسر مشخص می‌شود که با فاصله فیزیکی، سکوت عاطفی و عدم صمیمیت همراه است. تأثیر این فاصله عاطفی فراتر از قلمرو عاطفی است و بر سلامت جسمی، روانی، اجتماعی و جنسی آنها تأثیر می‌گذارد. با وجود درد و مشکلاتی که متحمل می‌شوند، زنان به دقت گزینه‌های خود از جمله خطرات طلاق قانونی را می‌سنجند و به خاطر فرزندان خود و اجتناب از انگ اجتماعی ناشی از طلاق، ماندن در ازدواج را انتخاب می‌کنند. حسن (۲۰۲۲) در پژوهشی طلاق عاطفی و ارتباط آن با سازگاری روانی را در

بین نمونه‌ای از زوجین فلسطینی مورد بررسی قرار داد. نتایج این پژوهش نشان داد، همبستگی منفی و معناداری بین سازگاری روانی و طلاق عاطفی وجود دارد. به علاوه، تفاوت معناداری بین طلاق عاطفی و مدت ازدواج و سطح تحصیلات مشاهده نشد.

جمع بندی مطالعات پیشین بیانگر آن است که مطالعات قابل توجهی در این حوزه به ویژه در کشورهای درحال توسعه انجام شده است. با این حال، مطالعه طلاق خاموش از چشم انداز تحلیل کیفی تماتیک و با تمرکز بر شهر کرمان به ندرت در تحقیقات پیشین مطرح نظر بوده است. به علاوه، به دلیل تغییرات اجتماعی گسترده، دلایل و انگیزه های طلاق خاموش نیز به سرعت درحال تغییر هستند که ضرورت انجام پژوهش حاضر را مضاعف می کند.

ملاحظات نظری

طلاق به عنوان یک مساله اجتماعی حاد در قالب چشم اندازهای گوناگون نظری مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. براساس نظریه تضاد، گاه بین زن و شوهر تضادی ایجاد می شود و هریک، برای احراز منزلت خود و رسیدن به اهداف خویش ازطریق توسل به امکانات مالی و فرهنگی قصد دارد بر دیگری مسلط باشد. تداوم این وضعیت، تنش و کشمکش بین زوجین را افزایش می دهد و درپایان، به طلاق عاطفی آنها منجر می شود (والنتینا^۱ و همکاران، ۲۰۲۱). پل بوهانون^۲ معتقد است، در طلاق عاطفی، زن و شوهر عواطف خود را از یکدیگر دریغ می دارند و روی از هم بر می تابند؛ زیرا

اعتمادشان به یکدیگر و جذابیتشان برای هم به پایان می رسد (عباسی، ۱۴۰۴). رابرت استنبرگ^۳، با طرح «مثلث عشق»، جوانب مختلف عشق را نشان می دهد و این جوانب، سه مؤلفه تعهد، صمیمیت، شور و اشتیاق را در بر دارند. سه مؤلفه عشق به شیوه های گوناگون با هم ترکیب می شوند که بر این اساس، هشت نوع رابطه مشخص می شود. استنبرگ، دو نوع رابطه از هشت نوع رابطه تعریف شده، یعنی عشق تهی (تعهد بدون صمیمیت و اشتیاق جنسی) و عشق ابلهانه (شامل تعهد و اشتیاق جنسی فاقد صمیمیت) را طلاق عاطفی می خواند. بوردیو^۴ عادت واره های یکسان را باعث تعامل بهتر بین اعضا می داند و به اعتقاد او طلاق بیشتر از آن که امری اقتصادی باشد، امری فرهنگی است. مطابق این نظریه، فرهنگ ضبط شده و درونی شده افراد بیشتر مشکل ایجاد می کند؛ به این ترتیب، عادت واره های متفاوت که خود برخاسته از تفاوت های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و جغرافیایی هستند، احتمال ناسازگاری و طلاق را افزایش می دهند (فاضلی و محمدجانی، ۱۴۰۴). کانگر^۵ با توجه به مشکلات اقتصادی نشان می دهد، زوجینی که منابع خانوادگی آنان برای حفظ زندگی استاندارد و مناسب نیست، به مشکلات اقتصادی دچار می شوند که این موضوع، زندگی زناشویی آنها را بی ثبات می کند و در این خانواده ها مردان بیشتر واکنش های منفی دارند و احتمال ازهم گسیختگی خانواده و بی سامانی آن زیاد است. در همین زمینه می توان به مازلو^۶ اشاره نمود. مازلو نیازهای انسان را به پنج گروه تقسیم می کند. (۱) نیازهای جسمی، مانند غذا، هوا، آب. (۲) نیاز به امنیت، مثل رهایی از

4. Bourdieu
5. Conger
6. Maslow

1. Valentina & etal
2. Paul Bohannon
3. Robert Stenberg

ترس، حمایت و وابستگی. ۳) نیاز به عشق و محبت. ۴) نیاز به احترام و حرمت. و ۵) نیاز به خودشکوفایی و تحقق خویشتن. چنانچه ارضاء نیازها با ناکامی مواجه شود و این ناکامی در حدی افزایش یابد که فرد قادر شود به رفتار پرخاشگرانه دست بزند، در این صورت این فرد احتمالاً به دیگری توجه می‌کند؛ برای مثال، در صورت ادامه یافتن ناکامی زن و شوهر، این مسئله به صورت دلیل تراشی و ... خود را نشان می‌دهد و در پایان، به جدایی می‌انجامد (صالحی گلسفیدی، ۱۴۰۴). استوارت ازکمپ^۱، با مطرح نمودن نظریه نیاز -انتظار معتقد است، احساس رضایت براساس انطباق کامل امیدها و انتظارات با پیشرفت‌های فرد تعیین می‌شود؛ درحالی‌که نارضایتی معلول ناکامی در رسیدن به انتظارات است. زن و شوهر تصورات خاصی درباره زندگی زناشویی دارند و زندگی را با انتظارات مشخصی درباره شیوه رفتار همسرشان با خود آغاز می‌کنند. اگر این انتظارات در زندگی زناشویی برآورده نشوند، آنها ناراضی و پشیمان خواهند شد و رابطه عاطفی میانشان کم‌رنگ می‌شود (کاهلر^۲ و همکاران، ۲۰۲۰). مارکز^۳ (۱۹۸۹) با ارائه نظریه سیستمی کیفیت زناشویی، بیان می‌کند، یک فرد متأهل زاویه درونی، زاویه همسر و زاویه دیگران دارد و در طلاق عاطفی فرد از زاویه همسری فاصله می‌گیرد و خود را به دیگران غیر از همسر نشان می‌دهد. او کیفیت زناشویی را در هفت مدل دسته‌بندی کرده است (مارکز به نقل از پارساکیا و همکاران، ۲۰۲۳). یکی از مدل‌های زناشویی با کیفیت کم، الگوی جدایی است که در آن زن و شوهر با زاویه سومشان آمیخته و از زاویه همسری فاصله گرفته‌اند. در این حالت، کیفیت زناشویی ضعیف است

و این وضع در صورت تداوم، طلاق عاطفی را نشان می‌دهد (خرم دل و همکاران، ۱۴۰۴). بندورا در قالب نظریه یادگیری اجتماعی نشان می‌دهد، افراد خواه‌ناخواه از الگوهای مختلف متأثر خواهند شد؛ بنابراین، بهترین روش آموزش مسئولیت‌پذیری آن است که از کودکی پدر و مادر به آنها نشان دهند برای دیگران ارزش قائل‌اند و همچنین، از ناراحتی آنها رنج می‌برند و بر رفتار و نقش خود کنترل دارند (منتظر و رضوی نعمت الهی، ۲۰۲۴). از نظر مرتون، می‌شود نقش زن و مرد را به صورت اجزای کل در بقای نهاد خانواده و حفظ اعتدال آن تبیین کرد (علی بخش، ۱۴۰۴). به عقیده پارسونز، خانواده برای ایفای مؤثرتر نقش خود، باید نوعی تقسیم کار جنسی داشته باشد؛ بدین صورت که مردان باید نیروی محرک خانواده باشند و زنان نیز باید بر وظیفه‌شان، یعنی اداره امور داخلی خانواده و مراقبت از کودکان و بزرگسالان تمرکز کنند (دریایی و خسروی، ۱۴۰۴). اگر جنس زن، به هر دلیلی اشتغال در محیط خارج از خانه را به وظیفه اصلی خود، یعنی نقش تربیتی و عاطفی ترجیح دهد، این مسئله نتیجه‌ای جز نارسایی در ایفای نقش و به دنبال آن، گسست روابط خانوادگی نخواهد داشت. مردان نیز باید در کنار تأمین امور مالی خانواده، نیروی محرکه خانواده باشند و از نقش مهم خویش در خانواده غافل نشوند. آنها باید در جهت‌گیری خانواده نقشی ویژه داشته باشند؛ زیرا در غیر این صورت، ثبات نهاد خانواده را مختل خواهند کرد (یو^۴ و همکاران، ۲۰۲۰). با در نظر گرفتن دیدگاه‌های مختلف، می‌توان بیان کرد که نظریه‌هایی مورد بحث که در متن اشاره شد، هر کدام به نحوی با طلاق خاموش در ارتباط هستند و مرور آنها، در

3. Markez
4. Yu

1. Stewart Ezkamp
2. Kahler & etal

چگونگی شکل‌گیری، ایجاد و استمرار طلاق خاموش اطلاعات مفیدی به دست می‌دهد. سبک و شیوه زندگی با انتخابی شدن زندگی روزمره معنا می‌یابد، بدین ترتیب که برخلاف جوامع سنتی، در جامعه معاصر شیوه زندگی راهی برای تعریف ارزش‌ها و همچنین نشانگر موقعیت اجتماعی افراد است. نشانه‌های فراوانی وقوع تغییرات در روابط اجتماعی و فرهنگی در جوامع و از جمله، جامعه ما را خبر می‌دهد. عوامل اجتماعی تحت تأثیر ظهور مشاغل جدید، تنوع رسانه‌ها، افزایش جمعیت شهرنشین و تنوع قومیت‌ها و فرهنگ‌های متفاوت می‌تواند بر ساختار خانواده مانند اختلاف سطح خانواده‌ها اثرگذار باشد و این تغییرات نیز می‌تواند بر سطوح زندگی زناشویی مانند رضایت زناشویی، تساوی حقوق، روابط زوجین و ... تأثیر بگذارد؛ بنابراین طلاق خاموش می‌تواند متأثر از عوامل متعدد باشد که هر یک نقشی در شکل‌گیری و یا تداوم این سازه دارند و یک عامل به‌تنهایی نمی‌تواند این پدیده پیچیده را تبیین کند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کیفی است که به روش تحلیل تماتیک انجام شده است. تحلیل تماتیک روشی برای شناسایی، سازماندهی و ارائه بینش منظم در مورد الگوهای معنا (مضامین) در یک مجموعه داده است. تحلیل تماتیک از طریق تمرکز بر معنا در یک مجموعه داده، به پژوهشگر اجازه می‌دهد، معانی و تجربیات جمعی یا مشترک را ببیند و درک کند (براون و کلارک^۱، ۲۰۱۲). میدان این پژوهش، شهر کرمان بود و مشارکت‌کنندگان در پژوهش، زنان و مردان متأهل درگیر طلاق بودند که به مراکز مشاوره مراجعه کرده

اند. در مجموع، ۱۸ نفر به شیوه هدفمند انتخاب و در تحقیق مشارکت نمودند. جهت گردآوری داده‌ها از مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته استفاده شد. ابتدا سه مصاحبه انجام و خطوط کلی پرسش‌ها و مفاهیم اولیه شکل گرفت. سپس، مجموعه سؤالات به صورت باز طراحی و مصاحبه‌ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافتند. مصاحبه‌ها در دوره زمانی اردیبهشت ۱۴۰۴ تا تیرماه ۱۴۰۴ در محیط‌هایی که مشارکت‌کنندگان تعیین می‌کردند، انجام شد و هریک از آنها بین ۳۵ دقیقه تا ۸۰ دقیقه طول کشید. فرآیند انجام تحلیل تماتیک در این پژوهش مبتنی بر الگوی شش مرحله‌ای براون و کلارک (۲۰۰۶) شامل (۱) آشنایی با داده‌ها، (۲) تولید کدهای اولیه، (۳) جستجوی مضامین، (۴) بازبینی مضامین بالقوه، (۵) تعریف و نامگذاری مضامین، و (۶) ارائه گزارش نهایی بوده است. براین اساس، با اتمام فرآیند جمع‌آوری اطلاعات، مصاحبه‌ها به صورت متن نوشتاری بر روی کاغذ پیاده شد و سپس، با استفاده از کدگذاری باز، محوری و انتخابی، کدگذاری گردید. نخست، متن هر مصاحبه چند بار خوانده شد تا درک از متن به دست آید. در ادامه، کدگذاری باز انجام شد، یعنی، متن به واحدهای معنادار که اغلب شامل یک یا دو جمله بودند تقسیم شد. این واحدها در قالب مضامین فرعی جمع شدند و در انتها، مضامین اصلی استخراج گردیدند. جهت تعیین اعتماد‌پذیری یافته‌ها از معیارهای متفاوت و متعددی استفاده شد. اولاً، از گستره‌ای از افراد مطلع درگیر طلاق به عنوان مشارکت‌کننده در تحقیق استفاده شد. ثانیاً، فرآیند پژوهش در بازه زمانی کافی و مناسب انجام شد. این امر باعث گردید پژوهشگر درک جامع‌تری از موضوع مورد پژوهش کسب

و اهداف آن به طور دقیق و روشن برای آنها توضیح داده شد و تضمین‌های لازم برای محرمانه ماندن مصاحبه‌ها ارائه گردید و جهت ضبط مصاحبه‌ها از مشارکت‌کنندگان اجازه گرفته شد.

یافته‌های پژوهش

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان در پژوهش، برحسب جنس، سن، تحصیلات، وضع شغلی، مدت زمان ازدواج و داشتن/نداشتن فرزند در جدول ۱، ارائه شده است.

کند. ثالثاً، در فرآیند کدگذاری از تکنیک همسانی استفاده و کدگذاری‌ها توسط دو نفر به صورت مجزا انجام شد. رابعاً، پس از استخراج نتایج، یافته‌ها به پنج نفر از مشارکت‌کنندگان که از قبل با آنها هماهنگی به عمل آمده بود برگردانیده شد و از آنها خواسته شد نظرات تکمیلی یا انتقادی خود را ارائه دهند. در این پژوهش، رعایت ملاحظات اخلاقی در مراحل مختلف پژوهش مدنظر بوده است. نمونه‌ها با رضایت کامل و طیب خاطر در پژوهش مشارکت نمودند. ماهیت پژوهش

جدول ۱. مشخصات مشارکت‌کنندگان در پژوهش

ردیف	نام	سن	تحصیلات	وضع شغلی	مدت زمان ازدواج	فرزند
۱	زهرا	۳۲ سال	دیپلم	خانه دار	۳ سال	ندارد
۲	محمد	۳۹ سال	فوق لیسانس	کارمند بخش دولتی	۵ سال	دارد
۳	علی	۴۱ سال	فوق لیسانس	کارمند بخش دولتی	۹ سال	دارد
۴	صادق	۴۴ سال	دکتری	کارمند بخش خصوصی	۱۰ سال	دارد
۵	فاطمه	۳۳ سال	لیسانس	خانه دار	۵ سال	دارد
۶	حدیثه	۲۸ سال	لیسانس	خانه دار	۲ سال	ندارد
۷	جانان	۳۴ سال	فوق لیسانس	کارمند بخش دولتی	۶ سال	دارد
۸	محمدحسین	۳۸ سال	فوق لیسانس	کارمند بخش دولتی	۷ سال	دارد
۹	امیرمهدی	۳۴ سال	لیسانس	آزاد	۳ سال	ندارد
۱۰	محمدرضا	۴۱ سال	دکتری	مغازه دار	۵ سال	دارد
۱۱	رسول	۳۱ سال	فوق دیپلم	آزاد	۲ سال	ندارد
۱۲	نازنین	۳۰ سال	فوق لیسانس	طراح گرافیک	۳ سال	ندارد

زناشویی، سطوح فردی زندگی زناشویی، سرمایه اجتماعی زوجین، سرمایه فرهنگی زوجین، پایگاه اجتماعی-اقتصادی» بیان نموده اند که هریک در ذیل به اختصار توضیح داده خواهند شد.

با تکمیل فرآیند تحلیل مصاحبه‌ها، کدهای انتخابی، تم‌های فرعی، و تم‌های اصلی همچنانکه در جدول ۲ نشان داده شده اند، استخراج گردیدند. براساس یافته‌های حاصل از پژوهش، زوجین مشارکت‌کننده در این پژوهش، طلاق خاموش را از دیدگاه خود در قالب پنج عامل اصلی «روابط تکاملی زندگی

جدول ۲. یافته های پژوهش برحسب کدهای انتخابی، تم های فرعی و تم های اصلی

تم های اصلی	تم های فرعی	کدهای انتخابی	ردیف
روابط تکاملی زندگی زناشویی	عدم توانایی و مهارت در عشق ورزیدن	غفلت و عدم توجه به خود	۱
		الگوهای زندگی والدین	۲
		عدم تخلیه و برون ریزی احساسات سرکوب شده	۳
	تعاملات عاطفی زوجین	مهارت های مدیریت مشکلات	۴
		عدم توجه به نیازهای همسر	۵
		احترام متقابل به حریم خصوصی	۶
		توجه به پوشش و آرایش	۷
		پذیرش تغییر و رشد مشترک	۸
		ارتباط و تعامل مؤثر	۹
	تغییر باورهای زندگی زناشویی	ارزش ها و آداب و رسوم متفاوت	۱۰
		نحوه معاشرت با یکدیگر	۱۱
		نحوه تربیت فرزندان	۱۲
		پذیرش تفاوت ها	۱۳
	تعارضات و تعاملات غیر سازنده	انتقاد تند و بی مورد	۱۴
		انفعال و اجتناب	۱۵
		طرد کردن یا بی توجهی	۱۶
		سرزنش و فرافکنی	۱۷
		اختلاف در خواسته ها	۱۸
ناملازمات سطوح فردی زندگی زناشویی	اعتقادات دینی و مذهبی	شرکت در مراسم اعیاد مذهبی و عزاداری	۱۹
		تفاوت طرفین در بجای آوردن فرائض دینی (نماز و روزه)	۲۰
		تفسیر فردی از دین	۲۱
		احترام به اعتقادات مذهبی یکدیگر	۲۲
	اعتیاد به مواد مخدر و مشروبات الکلی	افزایش تنش در خانواده	۲۳
		عدم تعادل رفتاری در خانواده	۲۴
		تهدید امنیت و سلامت فرزندان	۲۵
		کاهش سلامت روانی	۲۶
	مشکلات جنسی	اختلال در فعالیت های جنسی	۲۷
		عدم انتظارات جنسی و جسمی	۲۸
		تمایل به تجربه روابط جنسی مختلف	۲۹
	میل به آزادی و استقلال	آزادی و استقلال روانشناختی	۳۰
		استقلال مالی	۳۱
		استقلال شغلی	۳۲
	خیانت زناشویی	تمایل به برقراری ارتباط با جنس مخالف	۳۳
		یر افتادن در رابطه های فرازناشویی غلط	۳۴
		وجود فردی غیر از همسر در زندگی	۳۵
		تسهیل فرایند خیانت کردن	۳۶

کدهای انتخابی	تم های فرعی	تم های اصلی	ردیف
فحش و ناسزا گرفتن	فروپاشی پیوندها	ضعف سرمایه اجتماعی زوجین	۳۷
تهمت ناورا به همسر			۳۸
تحقیر و توهین شدید از سوی همسر			۳۹
ضعف رفتار محترمانه	عدم سازش رفتاری		۴۰
بد نامی			۴۱
ضعف آرامش			۴۲
شروع نادرست و نابجای زندگی مشترک	الگوی نامناسب انتخاب همسر		۴۳
عدم شناخت کافی برای شناخت همسر			۴۴
فشارهای اجتماعی الزام آور			۴۵
نداشتن حریم مناسب و مرز در زندگی	بی توجهی به مرزهای زندگی	ضعف سرمایه فرهنگی زوجین	۴۶
عدم مرز بندی در ارتباط و تعامل			۴۷
عدم رعایت حریم خانوادگی از سوی دوستان			۴۸
ضعف در تطبیق پذیری	فقدان مهارت های زندگی		۴۹
ضعف در ارتباط مؤثر			۵۲۰
ضعف در درک و فهم			۵۱
ناتوانی تصمیم گیری	ناتوانی در حل مشکل		۵۲
درماندگی در سازگاری			۵۳
بی مسئولیتی			۵۴
عدم سرمایه گذاری روی زندگی زناشویی	فقدان سرمایه گذاری برای همسر	ضعف وضعیت اجتماعی- اقتصادی	۵۵
نادیده گرفتن خواسته ها و نیازهای همسر			۵۶
رفتار نکردن بر اساس زبان عشق همسر			۵۷
بی توجهی به مناسبت های همسر			۵۸
عدم تامین نیازهای فرزندان	فقدان سرمایه گذاری برای فرزندان		۵۹
بی توجهی به فرزندان			۶۰
همگامی اعضاء خانواده			۶۱
نداشتن سلامت اخلاقی	فقدان سواد رابطه زناشویی		۶۲
عادات و رفتار های نامناسب			۶۳
نداشتن هدف مشخص در دوران آشنایی			۶۴
امید به تغییر دادن شخص مقابل			۶۵
سوال نپرسیدن از طرف مقابل			۶۶
بیکاری و نبود درآمد کافی	دغدغه های مالی و اقتصادی		۶۷
دشواری های مدیریت مالی ازدواج			۶۸
فقدان حمایت مالی			۶۹
دشواری اقتصادی خانواده در فراهم کردن مقدمات ازدواج فرزندان			۷۰
توانایی در فراهم کردن حمایت و پشتیبانی			۷۱

روابط تکاملی زندگی زناشویی

روابط تکاملی زناشویی به رشد و تحول مراحل مختلف یک رابطه از آغاز تا ثبات اشاره دارد که معمولاً با هیجان اولیه،

دل بستگی، مواجهه با چالش‌ها و تفاوت‌ها، مرحله سرخوردگی و ناامیدی، و در نهایت تصمیم‌گیری برای تعهد و تمرین دوباره با هم بودن همراه است. این تکامل در روابط عاشقانه و ازدواج، با عبور از مراحل مختلف وابستگی، پرورش عشق، و ایجاد تداوم ماندگار به ثبات می‌رسد از ۱۸ شرکت کننده ۱۴ نفر بر روابط تکاملی زندگی زناشویی تأکید ویژه‌ای داشتند. اولین مقوله‌ای که موجب بروز طلاق خاموش شده است، روابط تکاملی زندگی زناشویی است. **مصاحبه شونده شماره ۱** در این خصوص می‌گوید: «من زمان بیش از حدی برای کار و یا ارتباط با فرزندانم می‌گذارم و اصلاً همسرم به فداکاری من هیچ توجهی ندارد و فقط به فکر خوش گذرونی خودش با دوستاش هست. بارها شده بیش از مریض بودم که حتی توانایی از جا بلندشدن هم نداشتم اما همیشه تمامی کارهای خونه رو انجام دادم ولی همسرم یکبار بهم توجه نکرد و حتی منو دکتر هم نبرد.» **مصاحبه شونده شماره ۴** می‌گوید: «ای کاش شوهر منم مثل پدر و مادرش بود چون اونها اینقد بهم توجه می‌کنن و همدیگه رو دوست دارن اما شوهر من کاملاً برعکس پدر و مادرش است کاملاً سرد و بی روح. **مصاحبه شونده شماره ۳** می‌گوید: «خانوم من دقیقاً تمام رفتارهایش مثل مادرش است چون مادرش همیشه با پدرش بی توجه و بی تفاوت است دقیقاً دخترشم مثل اون است.» **مصاحبه شونده شماره ۷** در این خصوص می‌گوید: «حالم از این زندگی و خودم بهم می‌خوره من حتی دو ماه کارمو ول کردم و کار من داخل دانشگاه بود و کلاً کارمو عوض کردم چون نمی‌توانستم اون شلوغی دانشگاه رو تحمل کنم. من سرشار از عاطفه و احساس بودم اما خانومم با من یه کاری کرد که حتی از خودمم متنفرم و دچار افسردگی

شدم از همه زن‌ها و دختر متنفرم». **مصاحبه شونده شماره ۱۳** در این خصوص می‌گوید: «هروقت سر مشکلات زندگی باهاش صحبت میکنم اصلاً عین خیالش نیست جویری وانمود میکنه که همه چی خوبه. هر زمانیکه که قهر می‌کردیم مجبور بودم روحیه خودم را به خاطر بچه هام حفظ کنم به خاطر همین احساس می‌کنم غم پنهانی دارم چون نتونستم زندگی درست مدیریت کنم.» **مصاحبه شونده شماره ۱۲** در این خصوص می‌گوید: «از خدا خواستم فقط یه بار در طول این زندگی از من سوال کنه هیچ کمبودی نداری چیزی نمیخوای اون حتی حاضر نیست گوش بده خواسته های من چی هستن. یه بار نشدن پیام خونه ببینم غذا حاضره همیشه باید بیرون غذا بخورم، بیشتر اوقات خودم مجبورم لباس های کارمو بشورم». **مصاحبه شونده شماره ۱۷** اظهار داشت: «یه وقت هایی اینقد دلم میگیره که نیاز به تنهایی دارم اما هر زمان که اینجوری شدم بهم گیر میده که باکسی هستی و رفتارات عوض شدن. همسرم همیشه منو زیر ذره بین قرار میده بهم. دائماً جیب های لباس منو می‌گرده و کنترل میکنه بهم اعتماد نداره». در دنیای پرمشغله امروز، روابط زناشویی با چالش‌های متعددی روبرو هستند که می‌توانند منجر به فاصله عاطفی و در نهایت طلاق عاطفی شوند. طلاق عاطفی، مرحله‌ای است که در آن زوجها همچنان زیر یک سقف زندگی می‌کنند اما ارتباط عاطفی و احساسی بین آنها کمرنگ شده و گاه به کلی از بین رفته است. این وضعیت می‌تواند تأثیرات عمیقی بر روحیه و سلامت روانی هر دو طرف داشته باشد و حتی بر کیفیت زندگی سایر اعضای خانواده نیز اثرگذار باشد. خوشبختانه، با درک علائم هشداردهنده و به‌کارگیری راهکارهای عملی، می‌توان این وضعیت را بهبود بخشید و

روابط زناشویی را دوباره به اوج خود رساند. از اینرو می‌توان روابط تکاملی زندگی زناشویی را به عنوان یک نقطه آغازین در روابط عاشقانه و ازدواج و تصمیمات سرنوشت‌ساز زندگی مشترک قلمداد کرد.

سطوح فردی زندگی زناشویی

سطوح فردی زندگی زناشویی به رشد و توسعه فردی هر یک از زوجین اشاره دارد که شامل مهارت‌هایی چون حل مسئله، ابراز احساسات و نیازها، و تمرکز بر رشد و پیشرفت شخصی می‌شود. این سطوح فردی به همسران کمک می‌کند تا با وجود تفاوت‌ها و چالش‌ها، درک متقابل داشته باشند و روابط عمیق‌تر و معنادارتری را ایجاد کنند. از ۱۸ شرکت‌کننده ۱۵ نفر بر سطوح فردی زندگی زناشویی تأکید ویژه‌ای داشتند. دومین مقوله‌ای که در این مطالعه موجب بروز طلاق خاموش شده، سطوح فردی زندگی زناشویی بود. **مصاحبه شونده شماره ۹** در این خصوص می‌گوید: «*اوایل زندگی همیشه هرچرا مراسم مذهبی و عزاداری بود شرکت می‌کرد اما کم‌کم اعتقاداتش ضعیف شد. من از بچگی دوست داشتم مثل خانواده‌ام در مراسمات مذهبی و عزاداری شرکت کنم و نذورات بدم اما اون همیشه دعوا می‌کنه این کارها یعنی چی و برای چی پول منو الکی هدر میدی و به این مراسمات کمک می‌کنی اینها همش الکی هستن*». **مصاحبه شونده شماره ۸** در این خصوص می‌گفت: «*اوایل زندگی همیشه نمازشو می‌خوند و روزه هاشو می‌گرفت اما کم‌کم همه این موارد رو ترک کرد. هر زمانیکه من می‌خام نماز بخونم و حتی ماه رمضان روزه بگیرم گیر میده و اذیت می‌کنه اینها همش الگی هستن بیخیال شو الکی روزه میگیری به خودت گرسنگی میدی که چی بشه*». **مصاحبه شونده شماره ۱۰** در

این خصوص بیان داشت: «*همسرم در لحظاتی که باید آرامش داشته باشد و با من و بچه‌ها رفتار مناسبی داشته باشد بسیار بد است و در مقابل زمانی که باید رفتار تند داشته باشد بی تفاوت و آروم است*». این‌قد به من و بچه‌ها زور گویی کرده که هیچ‌کدوم حاضر به دیدنش نیستیم». **مصاحبه شونده شماره ۱۶** در این خصوص بیان داشت: «*من این‌قد ارزش زده شدم که اصلاً دوست ندارم باهاش رابطه جنسی داشته باشم همسرم اصلاً شب‌ها کنار من نمیخوابه و هرکدوم توی اتاق جداگونه می‌خوابیم. اون هیچ تمایلی به من نشون نمیده تقریباً ۶ ماه میشه که با همسرم هیچ رابطه جنسی نداشتم خیلی وقته که همسرم نمیتونه نیازهای جنسی و جسمی منو برآورده کنه*». **مصاحبه شونده شماره ۱** در این خصوص می‌گوید: «*من همیشه توی خونه در حال آشپزی، تمیزکردن خونه، غذا درست کردن، رسیدگی به امورات بچه‌ها بودم و دلم خوش بود همسرم میره سرکار و میاد و از وقتیکه شنیدم با منشی خودش رابطه داره و بهم خیانت کرده حالم ازش بهم می‌خوره*». **مصاحبه شونده شماره ۱۱** در این خصوص می‌گوید: «*احساس می‌کنم توی این زندگی اسیر هستم مثل یک زندانی باهام برخورد میکنه هرکاری میخوام انجام بدم باید ارزش اجازه بگیرم حتی پول تو جیبیم رو هم باید با زور و خواهش ازش بگیرم و باید صدتا جواب پس بدم آنخه این چه زندگیه که من دارم*». هیچ زندگی بدون مشکلات نیست و زوجین سعی می‌کنند تا همیشه با کمک هم از این موانع عبور کنند. روابط زناشویی همیشه پیچیدگی‌های خاص خود را دارد که هر کس نمی‌تواند به راحتی آن را پشت سر بگذارد به همین دلیل ممکن است برخی زوجین به طلاق و جدایی فکر کنند. برای نجات زندگی زناشویی از طلاق راهکارهای

مختلفی وجود دارد و زوجین می توانند متناسب با شرایط خود یکی از روش ها را امتحان کنند.

سرمایه اجتماعی زوجین

بسیاری از تحلیل گران و نظریه پردازان سرمایه اجتماعی زوجین را به عنوان یک منبع مهم تولید یا فرسایش سرمایه اجتماعی ذکر کرده اند که می تواند در بررسی الگوهای زندگی زوجین مفید و مؤثر باشد. سومین مقوله ای که در جامعه ی مورد مطالعه این تحقیق موجب بروز طلاق خاموش شده ، سرمایه اجتماعی زوجین بود. **مصاحبه شونده شماره ۱۵** در این خصوص می گوید: «من اصلاً این تیپ آدم را از لحاظ فکری، شغلی و حتی ظاهری نمی پسندیدم، اما به اصرار بسیار زیاد راوی و خانواده ام، شوهرم را به خواستگاری راه دادم و سپس به اصرار شدید راوی و پدر و مادرم، مجبور به انتخاب او شدم. در آخر پدرم مرا قسم داد که قبول کنم. من دو خواهر بزرگتر از خودم با سن بالا؛ یعنی ۳۵ سال و ۳۸ سال در خانه دارم که هنوز ازدواج نکرده اند و این باعث ایجاد نگرانی در من شده بود. با پررویی سراغ ازدواج رفتم که نکند من هم بمانم». **مصاحبه شونده شماره ۱۷** در این خصوص می گوید: «همسرم همیشه میگه از این به بعد میخوام سبک زندگی خودمو تغییر بدم از هیچکسم خجالت نمیکشم به کسی هم لازم نمیدونم جواب پس بدم زندگی شخصی خودمه دلم می خواد». **مصاحبه شونده شماره ۱۳** در این خصوص می گوید: «کاش قبل از ازدواج زودتر خودم را جمع و جور می کردم و با آن آشنا می شدم و بعد تصمیم به ازدواج می گرفتم؛ در آن صورت حتماً انتخاب مناسب تری می کردم. البته، خانواده من هم مقصر بودند که مرا تا ۲۲ سالگی هنوز

برای ازدواج آماده نکرده بودند و مرا تا آن روز بچه بار آورده بودند». **مصاحبه شونده شماره ۱۷** در این خصوص می گوید: «او آدم بی مسئولیتی بود. من سرکار می رفتم و همین برای او نقطه امیدی بود که یکی هر ماه پول می آورد و دیگر او نمی خواهد کار کند. هیچ کار مردانه ای بلد نبود. اصلاً مرد نبود. می خواست من تکیه گاهش باشم؛ اما من دلم می خواست دستم جلوی شوهرم دراز باشد. در فکر، در تصمیم گیری، در پول دادن، نه او به سمت من؛ تا آخر می گفت: طلاق نه؛ اما من می دیدم نمی توانم یک عمر مرد زندگی کنم؛ زندگی فقط عشق نیست». مرگ عشق و عاطفه در خانواده منجر به بی تفاوتی و فقدان سرمایه اجتماعی زوجین نزد یکدیگر می شود، فقدان سرمایه ی اجتماعی باعث کاهش اعتماد، مشارکت، همدلی و انسجام در کانون مودت و رحمت می شود و آنگاه دیوار بلند جدایی عاطفی بالا می آید و همه ی کنش های زوجین تحت الشعاع این بحران جدید قرار می گیرد.

سرمایه فرهنگی زوجین

سرمایه فرهنگی به عنوان شیوه زندگی خانواده ها نقش بسزایی دارد. سرمایه فرهنگی زوجین می تواند موجب بروز نگرش های رفتار زوجین یا تعارضات زندگی مشترک شود. چهارمین مقوله ای که موجب بروز طلاق خاموش شده بود ، سرمایه فرهنگی زوجین بود. **مصاحبه شونده شماره ۱۸** در این خصوص می گوید: «همسرم به این فکر نمیکنه که هر کسی عقاید و افکار خودش رو داره و به زور نباید وادار کرد طبق خواسته طرف مقابل عمل کنه. همسرم همیشه در مورد کوچکترین مسائل زندگی ما به خانواده اش حرف میزند و اسرار زندگی زناشویی ما رو برای دیگران می بره و این واقعا

منو ناراحت می‌کنه». مصاحبه شونده شماره ۱۳ در این مورد اظهار داشت: «هر زمان که شوهرم منو اذیت میکنه و مجبور به مشورت با خانواده میشم همش منو سرکوب میکنه که متوجه میشد و منو درک می‌کرد که /نونم فوت کرد». مصاحبه شونده شماره ۷ در این باره اظهار داشت: «اوایل زندگی مشترک خیلی همدیگر رو دوست داشتیم /اما کم کم یک سری مسائلی به وجود آمد که باعث فاصله بین ما شد. اوایل زندگی مشترک متوجه مشکلات شدید شخصیتی و روانی همسرم شدم سعی کردم این معضل رو حل کنم /اما هرچی سعی کردم نتونستم یعنی خودش همکاری نمی‌کرد». مصاحبه شونده شماره ۱۶ در این زمینه اظهار داشت: «من خیلی آدم خجالتی هستم و روم همیشه خواسته هامو شفاف بهش بگم. همیشه سعی کردم تا میتونم ارزش سوال نکنم چون حال و حوصله بحث کردن رو ندارم منتظرم تا خودش بیاد و باهام حرف بزنه». امروز با توجه به حضور نهاد خانواده در فضای مجازی، با خانواده جهانی شده روبرو هستیم و حضور چنین خانواده‌هایی یعنی درگیر بحران‌های دیگر شدن. زوجین به دلیل طلاق عاطفی، در فضای مجازی پاسخ نیازهای عاطفی خود را جستجو می‌کنند و مفاهیمی مانند دوست اجتماعی و روابط فرازنشویی یکی از مظاهر آن است. بنابراین خانواده‌ای که پوسترهای بیش از آن نمانده با آرام‌ترین تلنگری فرو می‌ریزد، و آنگاه ساحل آرام خانواده که با امواج تنفر زوجین سست گشته با طوفان طلاق رسمی ویران شده و یا در مواردی به خودکشی یکی از زوجین و بحران‌های دیگر منجر می‌شود.

ضعف وضعیت اجتماعی - اقتصادی

خانواده تو در زندگی ما دخالت می‌کنن. توی خانواده من هیچکس نیست باهاش مشورت کنم. فقط پدرم حرف منو پایگاه اجتماعی - اقتصادی، پایگاهی است که فرد در میان یک گروه دارد. یا به مرتبه اجتماعی - اقتصادی یک گروه در مقایسه با گروه‌های دیگر گفته می‌شود. به بیان دیگر، موقعیتی که یک فرد یا خانواده با ارجاع به استانداردهای میانگین رایج درباره ویژگی‌های فرهنگی، درآمد مؤثر، دارایی‌های مادی و مشارکت در فعالیتهای گروهی - اجتماعی به دست می‌آورد. پنجمین مقوله‌ای که در میان مطالعه شوندگان، موجب بروز طلاق خاموش شده بود، پایگاه اجتماعی - اقتصادی بود. مصاحبه شونده شماره ۸ در این خصوص می‌گوید: «پدر و مادرم از نظر اقتصادی شرایط نامناسبی دارند به همین دلیل چاره‌ای ندارم جز اینکه شرایط زندگی را تحمل کنم چون نمی‌تونم به خونه پدر و مادرم برگردم. خانواده همسر با این حالیکه وضع مالی خوبی دارند به ما کمک نمی‌کنند و زمانیکه کمک مالی اندکی هم می‌کنند بسیار منت می‌گذارند و می‌گویند همش ما خرج شما رو میدیم». مصاحبه شونده شماره ۱۰ در این خصوص می‌گوید: «خانواده من زندگی کارمندی دارند و قادر به تهیه تمامی اقلام جهیزیه و وسایل لوکس نبودند و این امر باعث شده خانواده همسر همیشه منو تحقیر کنند. همسر من آینده نگر نیست و هرچی می‌گم زندگی ما سخت است و برای فراهم کردن امکانات زندگی نیاز به برنامه ریزی داریم با بی توجهی همش میگه خدا بزرگه». مصاحبه شونده شماره ۱۸ در این زمینه می‌گوید: «پدر من کشاورز است توانایی خرید وسایل لوکس رو نداره مقداری پول بهم داد و گفت خودت و همسرت برید هرچی

میخواید بخرید اما میلاد همیشه این کار پدرمو مسخره می کنه. اوایل زندگی خونه ای از خودمون نداشتیم با خانواده همسر در یک خونه زندگی می کردیم مادر همسر هر وقت به ما غذا و خوراک میداد همیشه منت می داشت که من دارم خرج شمارو میدم». امروزه با توجه به مسائل اقتصادی و بسیاری از مشکلات دیگر که هر یک از زوجین در زندگی خود تجربه می کنند، میزان طلاق عاطفی زیاد شده است. در این نوع جدایی با این که زن و شوهر در زیر یک سقف زندگی می کنند، ولی مهر و عاطفه آنها نسبت به یکدیگر تحت الشعاع مسائل اقتصادی قرار گرفته است.

بحث و نتیجه گیری

به طور طبیعی، روال مرسوم در زندگی افراد انسانی در جوامع مختلف بدین صورت است که با رسیدن به بلوغ و کسب برخی مهارت‌ها و ویژگی‌های روانی اجتماعی با فردی کم و بیش همسان ازدواج می کنند. اما ازدواج‌ها ابدی نیستند و به دلایل مختلف از هم فرومی پاشند. اگرچه، طلاق احتمالا همیشه وجود داشته اما نرخ آن در جامعه صنعتی معاصر به گونه‌ای شگفت انگیز افزایش یافته است (کامینگ^{۲۶}، ۲۰۲۵). گسترش تحصیلات، مشارکت زنان در نیروی کار، و فناوری‌های نوین ارتباطی برخی از عوامل هستند که در جامعه صنعتی معاصر بر روند افسارگسیخته طلاق‌ها تأثیر فراوانی داشته‌اند. اتفاق نظر وجود دارد که طلاق‌ها به طور ناگهانی اتفاق نمی افتند و حلقه ماقبل همه آنها، «طلاق خاموش» است. اما زوجین همچنان با هم زندگی می کنند. یک راهکار اساسی در تسکین طلاق و آسیب‌های اجتماعی

ناشی از آن، شناخت «طلاق خاموش» و عوامل مرتبط با آن است. بر همین مبنا، پژوهش حاضر با استفاده از روش کیفی تحلیل تماتیک به مطالعه طلاق خاموش پرداخت. بر مبنای یافته‌های پژوهش، یک عامل مهم در طلاق خاموش، روابط تکاملی زناشویی است. این تم اصلی، برآمده از تم‌های فرعی «عدم توانایی و مهارت در عشق ورزیدن»، «تعاملات عاطفی زوجین»، «تغییر باورهای زندگی زناشویی»، و «تعارضات و تعاملات غیرسازنده» است. این امر بیانگر آن است که وقتی زوجین از عشق ورزیدن به شریک زندگی شان قاصر باشند، نتوانند همکنشی‌های مهرورزانه داشته باشند، افکار و ایده‌های زندگی مشترک شان تغییر یابد، و اختلافات و ستیزها ازدیاد شود، زمینه‌های ظهور «طلاق خاموش» و سبب پدیدار می گردد و روابط بین زوجین به سردی می گراید. در پژوهش قراییه (۲۰۲۳) نشان داده شد، زنان دچار «طلاق خاموش»، ابتدا و پیش از همه، ارتباط شان با همسرشان دچار مشکل می شود و به تدریج با فاصله فیزیکی، سکوت، و عدم صمیمیت تداومی شکننده می یابد.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می دهند، دیگر عامل مهم در طلاق خاموش، سطوح فردی زندگی زناشویی است. این تم اصلی، مستخرج از تم‌های فرعی «اعتقادات دینی و مذهبی»، «اعتیاد به مواد مخدر و مشروبات الکلی»، «مشکلات جنسی»، «میل به آزادی و استقلال» و «خیانت زناشویی» است. در این خصوص باید اشاره کرد آنگاه که باورهای مذهبی زوجین از یکدیگر فاصله می گیرد، به مواد مخدر و مشروبات الکلی خو می گیرند، دچار اختلالات جنسی می شوند، تمایل به کسب خودمختاری پیدا می کنند، و گرفتار پیمان شکنی

زناشویی می‌شوند، بسترهای «طلاق خاموش» آماده می‌شود. در این زمینه لازم به توضیح است که بیشتر میل به استقلال معمولاً در بین زنان و پیمان شکنی زناشویی در بین مردان، به تشدید «طلاق خاموش» دامن می‌زند. این یافته پژوهش منطبق با یافته‌های عظیمی رستا و عابدزاد نوبریان (۱۳۹۲) و حبیب پور گنتابی و نازک تبار (۱۳۹۰) است که نشان دادند، پابندی به اعتقادات دینی، مواد مخدر و مشروبات الکلی و تماشای شبکه‌های ماهواره‌ای پیوند معناداری با «طلاق خاموش» دارند.

با استناد به یافته‌های پژوهش، کاهش سرمایه اجتماعی زوجین عامل برجسته‌ای در «طلاق خاموش» است. این تم اصلی ماحصل تم‌های فرعی «فروپاشی پیوندها»، «ناسازگاری رفتاری» و «الگوی نامناسب انتخاب همسر» است. زمانی که زوجین به یکدیگر ناسزا، تهمت یا توهین نثار می‌کنند، پیوندهای زوجین مخدوش می‌شود. به علاوه، هنگامی که آنها دچار عدم سازش رفتاری هستند و در انتخاب همسر الگوهای مناسبی نداشته منجر به فروپاشی سرمایه اجتماعی می‌گردد. کاهش سرمایه اجتماعی زوجین باعث می‌شود سطح روابط و تعاملات که زیربنای زندگی زناشویی است، دچار اضمحلال شود و به پیدایی نشانه‌های «طلاق خاموش» بیانجامد. این یافته پژوهش همسو با پژوهش رمضانی فر و همکاران (۱۴۰۰) است که نشان دادند، برخی ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی تأثیر منفی بر طلاق دارند و فروپاشی سرمایه اجتماعی منجر به ناسازگاری خانوادها می‌شود. به علاوه، این یافته پژوهش با مطالعه رحمانی دستجردی و شاهنده (۱۴۰۴) که می‌گوید بین رضایت جنسی، رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت و طلاق عاطفی در زنان مبتلا به سرطان سینه و زنان غیرمبتلا، تفاوت معناداری وجود دارد همچنین نمره

رضایت جنسی و رفتارهای ارتقاءدهنده سلامت در زنان متاهل مبتلا به سرطان سینه کمتر و طلاق عاطفی بیشتر از زنان متاهل غیرمبتلا می‌باشد، هم‌سو است. و همچنین با پژوهش محمدی (۱۴۰۰) که نشان داد، با افزایش سرمایه اجتماعی تمایل به طلاق در بین زنان کاهش پیدا می‌کند، منطبق و هم‌جهت است.

برحسب یافته‌های پژوهش، تقلیل سرمایه فرهنگی یک عامل تأثیرگذار در طلاق خاموش است. تقلیل سرمایه فرهنگی به عنوان تم اصلی، حاصل تم‌های فرعی «بی‌توجهی به مرزهای زندگی زناشویی»، «فقدان مهارت‌های زندگی»، و «ناتوانی در حل مشکل» است. آن زمان که زوجین فاقد حریم مناسب باشند، فاقد مرزبندی در ارتباط باشند، حریم شان از سوی دوستان هریک از زوجین مراعات نشود، در تطبیق‌پذیری، ارتباط موثر، و فهم یکدیگر دچار ضعف باشند و بالاخره، در تصمیم‌گیری و سازگاری ناتوان باشند، سرمایه فرهنگی شروع به فروپاشی می‌کند و علایم «طلاق خاموش» ظاهر می‌شود. یافته‌های پژوهش سروش و علیپوریان (۱۴۰۱) و محمدی (۱۴۰۰) که در بین زنان صورت گرفته بیانگر این است که بین سرمایه فرهنگی و تمایل به طلاق رابطه معناداری وجود ندارد. همچنانکه عنوان شد، ضعف و فروپاشی سرمایه فرهنگی قادر است پیوندهای زناشویی را سست کند اما احتمالاً عدم وجود رابطه بین سرمایه فرهنگی و طلاق در نتایج دو پژوهش اخیر می‌تواند به این دلیل باشد که جامعه پژوهش آنها فقط زنان بوده‌اند.

و بالاخره، یافته‌های پژوهش حاضر بیانگر آن هستند که ضعف وضعیت اقتصادی اجتماعی نقش مهمی در طلاق خاموش دارد. ضعف وضعیت اقتصادی اجتماعی برآمده از تم‌های فرعی «فقدان سرمایه‌گذاری برای همسر»، «فقدان

معتقدند وضعیت نامناسب اجتماعی اقتصادی مانند درآمد پایین، بدهکاری، بی اعتمادی به مدیریت مالی خانوار و بیکاری هریک از زوجین نقش مهمی در وقوع طلاق خاموش دارند، منطبق و همسو است.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش کلیه موازین اخلاقی مراعات شده است. مشارکت کنندگان با رضایت خاطر در پژوهش شرکت کرده اند. به آنان تضمین داده شد که اطلاعات ارائه شده از آنها نزد پژوهشگر امانت خواهد بود. و بالاخره اینکه، پاسخ های آنان بدون هیچ کم و کاست در پژوهش منعکس شده است.

تقدیر تشکر: این مقاله برگرفته از یک پژوهش مستقل است و تحقق آن مستلزم لطف مشارکت کنندگانی بود که صمیمانه با پژوهشگر همکاری کردند.

تضاد منافع: هیچ تضاد منافی وجود ندارد.

سرمایه گذاری برای فرزندان، «فقدان سواد رابطه زناشویی»، و «دغدغه های مالی» است. با استناد به تم های استخراج شده، مادامی که در یک زندگی مشترک، سرمایه گذاری برای همسر صورت نگیرد، سرمایه گذاری برای فرزندان انجام نشود، سواد رابطه زناشویی وجود نداشته باشد، و دغدغه های مالی وجود داشته باشد، زمینه برای طلاق خاموش آماده می شود. به طور مشخص فقدان درآمد مناسب، دشواری های مدیریت مالی، و نبود حمایت مالی می تواند نارضایتی ها را در بین زوجین افزایش دهد. این امر به ویژه در شرایطی که جامعه با بحران تورم و ناترازی هزینه ها و درآمدهای خانوارها مواجه است، میل به طلاق خاموش را تشدید می کند. این یافته پژوهش با نتایج مطالعه درگاهی و همکاران (۱۳۹۷) که نشان می دهند در بلند مدت در ایران رابطه معناداری بین تورم و بیکاری با افزایش نرخ طلاق وجود دارد، و نیز مطالعه هارسویو و دارماوان^{۲۷} (۲۰۲۳) در اندونزی که

منابع فارسی

ارباب زاده، پروین، کاظمی پور، شهلا، معینی، سیدرضا. (۱۴۰۱). شناسایی و ارزیابی محرکهای بروز طلاق عاطفی در میان زوجین تهرانی از دیدگاه متخصصان با رویکرد تصمیم گیری چند معیاره گروهی. *فصلنامه جامعه شناسی کاربردی*، ۳۳(۴)، ۱۴۵-۱۷۸.

<https://doi.org/10.22108/jas.2022.131561.2227>

اعتمادی، مهری،، خباززاده، مهناز. (۱۴۰۳). بررسی نقش میانجی بلوغ عاطفی در رابطه بین گرایش به اعتیاد به فضای مجازی و طلاق عاطفی در زنان متأهل. *فصلنامه مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی*، ۸۵، ۴۴۷-۴۳۷.

امامی، رقیه،، عرب مقدم، نرگس. (۱۴۰۴). بررسی تاثیر مشاوره راه حل مدار بر فرزند پروری مادران پس از طلاق. *فصلنامه پژوهش های میان رشته ای زنان*، ۷(۱)، ۷۲-۶۱.

<https://dorl.net/dor/20.1001.1.27831175.1404.7.1.2.9>

امیدپور، آرزو، اکبری، بهمن،، شاکری نیا، ایرج. (۱۴۰۴). اثربخشی درمان فراتشخیصی بر توافق پذیری زنان با طلاق عاطفی. *مطالعات زن و خانواده*، ۱۳(۳)، ۱۱-۱.

<https://doi.org/10.22051/JWFS.2025.47037.3082>

آسایش محمدحسن، تاران مینا، افتخاری، مریم. (۱۴۰۳). پیامدهای طلاق عاطفی از دیدگاه مردان: مطالعه‌ای پدیدار شناختی. فصلنامه رویش روان‌شناسی، ۱۳ (۱)، ۵۲-۴۱.

توکلی، آتنا. (۱۴۰۳). اثربخشی آموزش سبک‌های ارتباطی بر کیفیت ارتباط زوجین در معرض طلاق عاطفی. فصلنامه مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی، ۷ (۳۰)، ۳۶-۲۹.

حبیب پور گتایی، کرم، نازک تبار، حسین. (۱۳۹۰). عوامل طلاق در استان مازندران. فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، ۱۴ (۵۳)، ۸۷-۱۲۷.

<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.20082827.1390.14.53.4.0>

خرم دل، کاظم، محمدی مهر، مهشید، ظفرخواه، زهرا. (۱۴۰۴). بررسی رویکردهای جهانی برای معکوس کردن کاهش نرخ زاد و ولد و تأخیر ازدواج در نسل جدید. فصلنامه پژوهش‌های میان رشته‌ای زنان، ۲۲، ۴۴-۲۵.

<https://dori.net/dor/20.1001.1.27831175.1404.7.1.1.8>

درگاهی، حسن، قاسمی، مجتبی، بیرانوند، امین. (۱۳۹۷). عوامل اقتصادی و اجتماعی موثر بر طلاق در ایران با تأکید بر ادوار تجاری، آموزش و اشتغال زنان. فصلنامه اقتصاد و الگو سازی، ۹ (۴)، ۱۲۰-۹۵.

<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.24765775.1397.9.4.4.5>

دريائی، رضا، خسروی، فرشید. (۱۴۰۴). امکان‌سنجی ازدواج دوقلوهای به‌هم‌چسبیده (با نگاه تطبیقی به فقه مذاهب اسلامی). فصلنامه فقه و حقوق خانواده، ۸۲، ۱۵۷-۱۲۸.

<https://doi.org/10.30497/flj.2024.245607.1977>

رحمانی دستجردی، آرزو، شاهنده، مریم. (۱۴۰۴). مقایسه رضایت جنسی، رفتارهای ارتقاء دهنده سلامت و طلاق عاطفی در زنان متأهل مبتلا به سرطان سینه و زنان سالم. فصلنامه مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، ۸۸، ۵۰۵-۴۸۹.

رضایی، مهدی، اسکینی، ربیعا. (۱۴۰۴). تحلیل تطبیقی نظام‌های حقوقی طلاق در ایران و ایالات متحده آمریکا: مبانی قانونی، رویه‌های قضایی و چالش‌های اجرایی. فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، ۶۳، ۱۴۰-۱۱۷.

رمضانی فر، حدیثه، کلدی، علیرضا، قدیمی، بهرام. (۱۴۰۰). مطالعه تأثیر ابعاد سرمایه اجتماعی بر طلاق عاطفی. فصلنامه پژوهش‌های انتظامی - اجتماعی زنان و خانواده، ۹ (۲)، ۴۳۳-۴۶۵.

<https://dori.net/dor/20.1001.1.23224274.1400.9.2.3.7>

سروش، مریم، علیپوریان، ژیلا. (۱۴۰۱). رابطه سرمایه فرهنگی و شدت تعارضات زناشویی و راهبردهای مواجهه در میان زوجین در شیراز. تدویم و تغییر اجتماعی، ۱۱ (۱)، ۱۵۰-۱۳۱.

<https://doi.org/10.22034/jscc.2022.2763>

شعاع کاظمی، مهرانگیز، یدالله ثی، مریم، نظیفی، زهرا، فراهانی، زهرا. (۱۴۰۴). واکاوی پدیدار شناسانه ابعاد مثبت رشد پس از طلاق در زنان مطلقه شهر تهران. فصلنامه روانشناسی بالینی و شخصیت، ۴۵، ۱۲۲-۱۱۱.

<https://doi.org/10.22070/cpap.2025.18953.1517>

صالحی گلسفیدی، رقیه. (۱۴۰۴). بررسی ارتباط بین خودتنظیمی هیجانی با تعهد زناشویی و انعطاف‌پذیری شناختی. فصلنامه مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، ۹۱، ۴۴۶-۴۳۳.

عابدی ولوکلانی، فاطمه، یوسفی طالشی زینب، خان‌محمدی اطاقسرا، ارسلان. (۱۴۰۳). اثربخشی آموزش ذهن‌آگاهی بر ابعاد نارسایی هیجانی و تحمل پریشانی زنان دارای گرایش به طلاق عاطفی. مجله روانشناسی و روانپزشکی شناخت، ۱۱ (۵)، ۱۱۷-۱۳۱.

<https://doi.org/10.32598/shenakht.11.5.117>

عباسی، صغری. (۱۴۰۴). راهکارهای ترویج ازدواج از طریق تسهیل در امر مهریه. فصلنامه مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی، ۷۳، ۴۰۳-۳۹۱.

عظیمی رستا، محمود.، عابدزاد نوبریان، مهرناز. (۱۳۹۲). بررسی عوامل موثر بر بروز طلاق عاطفی میان زوجین در خانواده. فصلنامه مطالعات جامعه شناختی ایران، ۳ (۱۰)، ۴۶-۳۱.

علی بخش، سهیل. (۱۴۰۴). بررسی ادله ازدواج با غیرمسلمانان و مخالف. فصلنامه مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی، ۷۴، ۵۷-۴۷.

فاضلی، امیر.، محمدجانی، داود. (۱۴۰۴). بررسی راهکارهای اجتماعی آسان کردن ازدواج جوانان. فصلنامه پژوهش و مطالعات علوم اسلامی، ۶۹، ۱-۵.

فریدون اصل، مینا.، ظهیری نیا، مصطفی.، رستگار، یاسر. (۱۴۰۳). زندگی مردابی: تجربه زیسته زنان در مواجهه با طلاق عاطفی. فصلنامه پژوهش نامه زنان، ۱۵ (۳)، ۱۶۵-۱۳۷.

<https://doi.org/10.30465/ws.2024.48454.4089>

مرکز آمار ایران. (۱۴۰۳). سالنامه آماری کشور ۱۴۰۲. تهران: مرکز آمار ایران.

محمدی، زهرا. (۱۴۰۰). رابطه بین سرمایه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و تمایل به طلاق در بین زنان در بندر دیلم. پژوهش های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، ۳۳ (۲)، ۷۲-۵۵.

<https://doi.org/10.22108/srsp.2021.129419.1718>

مهرپور، فاطمه.، روشنایی، هومن.، روشنایی، امید. (۱۴۰۴). بررسی تاثیرگذاری فضای مجازی بر میزان طلاق و رضایت زناشویی زوجین ۲۲ تا ۴۲ سال. فصلنامه نخبگان علوم و مهندسی، ۵۶، ۱۴۰-۱۲۸.

References

- Abbasi, S. (2025). Strategies for promoting marriage by facilitating the issue of dowry. *Strategic Studies in Humanities and Islamic Sciences*, 73, 391-403. [In Persian]
- Abedi Valoukolaei, F., Yousefi Taleshi, Z. & Khanmmohammadi Otaghsara, A. (2024). The effectiveness of mindfulness training on emotional failure and distress tolerance of women prone to emotional divorce. *Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry*, 11(5), 117-131 [In Persian]
- <http://dx.doi.org/10.32598/shenakht.11.5.117>
- Ali Bakhsh, S. (2025). Examining the evidence for marriage with non-Muslims and opponents. *Strategic Studies in Humanities and Islamic Sciences*, 74, 47-57. [In Persian]
- Al-Shahrani, H. F. & Hammad, M. A. (2023). Relationship between emotional divorce and alexithymia among married women in Saudi Arabia. *BMC Psychology*, 11(1), 1-11.
- <https://doi.org/10.1186/s40359-023-01236->
- Anderson, M.L. & Taylor, H.F. (2016). *Sociology: The essentials*. Singapore: Wadsworth Cengage Learning.
- Arbabzadeh, P., Kazempour, Sh. & Moini, S.R. (2023). Identification and assessment of the emotional divorce drivers among Tehranian couples based on the experts' views using a multi-criteria decision-making (MCDM) approach. *Journal of Applied Sociology*, 33(88), 145-178. [In Persian]
- <https://doi.org/10.22108/jas.2022.131561.2227>
- Asayesh, M. H., Taran, M. & Eftekhari, M. (2024). Consequences of emotional divorce from men's point of view: A phenomenological study. *Rooyesh*. 13(1), 41-52. [In Persian]

- Braun, V. & Clarke, V. (2012). Thematic analysis. In: H. Cooper., P. M. Camic., D. L. Long., A. T. Panter., D. Rindskopf. & K. J. Sher (Eds), *APA handbook of research methods in psychology, Vol. 2: Research designs: Quantitative, qualitative, neuropsychological, and biological*. Washington, DC: American Psychological Association.
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101.
- Cumming, S.J. (2025). *Sociology unlocked*. Oxford: Oxford University Press.
- Dargahi, H., Ghasemi, M. & Beiranvand, A. (2018). Economic and social factors affecting divorce in Iran with emphasis on business cycles, education and women's employment. *Quarterly Journal of Economics and Modeling*, 9(4), 120-95. [In Persian]
<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.24765775.1397.9.4.4.5>
- Daryaei, R. & Khosravi, F. (2025). Feasibility of conjoined twins in marriage (with a comparative view of Islamic jurisprudence). *Family Law & Jurisprudence Journal*, 82, 128-157. [In Persian]
<https://doi.org/10.30497/flj.2024.245607.1977>
- Divorce.com. (2024). *Divorce rates in the world: Divorce rates by country*. Available at: <https://divorce.com/blog/divorce-rates-in-the-world/>
- Emami, R. & Arab Moghadam, N. (2025). Investigating the effect of solution-oriented counseling on mothers' parenting after divorce. *Women Interdisciplinary Researches*, 7(1), 61- 72. [In Persian]
<https://dori.net/dor/20.1001.1.27831175.1404.7.1.2.9>
- Etemadi, M. & Khabazzadeh, M. (2024). Investigating the mediating role of emotional maturity in the relationship between cyberspace addiction tendency and emotional divorce in married women. *Journal of Psychology and Educational Sciences*, 85, 437- 447. [In Persian]
- Fazeli, A. & Mohammadjani, D. (2025). Investigating social solutions to facilitate young people's marriage. *Journal of Islamic Sciences and Studies*, 69, 1-5. [In Persian]
- Fereydoun Asl, M., Zahirinia, M. & Rastegar, Y. (2024). Swampy life: lived experience of women faced with emotional divorce. *Women Studies*, 15(3), 137-165. [In Persian]
<https://doi.org/10.30465/ws.2024.48454.4089>
- Gharaibeh, M., Al Ali, N., Odeh, J. & Shattawi, K. (2023). Separate souls under one roof: Jordanian women's perspectives of emotional divorce. *Women's Studies International Forum*, 98, 1–9.
<https://doi.org/10.1016/j.wsif.2023.102746>
- Habibpour Gatabi, K. & Nazqtabar, H. (2011). Factors of divorce in Mazandaran province. *Women Strategic Studies*, 14(53), 87-127. [In Persian]
<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.20082827.1390.14.53.4.0>
- Harsoyo, Y. & Darmawan, I. (2023). Socio-economic factors leading to divorce in Gunungkidul Regency. *International Journal of Social Sciences*, 6(2), 83-89.
<https://doi.org/10.21744/ijss.v6n2.2085>
- Hasan, K. A. I. (2022). Emotional divorce and its relationship to psychological adjustment among a sample of couples in Ramallah and Al-Bireh Governorate, Doctoral dissertation. Al-Quds Open University. Availableat: <https://osol.qou.edu/handle/194/2734>.
- Johannsen, M., Schlander, C. & Vestergaard, I. (2022). Group-based compassion-focused therapy for prolonged grief symptoms in adults – Results from a randomized controlled trial. *Psychiatry Research*, 314(9), 46-53.
<https://doi.org/10.1016/j.psychres.2022.114683>

- Kahler, C. W., Spillane, N. S., Day, A., Clerkin, E. M., Parks, A., Leventhal, A. M. & Brown, R. A. (2020). Positive psychotherapy for smoking cessation: Treatment development, feasibility, and preliminary results. *The Journal of Positive Psychology*, 9(11), 19-27.
<https://doi.org/10.1080/17439760.2013.826716>
- Kendall, D. (2011). *Sociology in our times: The essentials*. Singapore: Wadsworth Cengage Learning.
- Khorramdel, K., Mohammadi Mehr, M. & Zafarkhah, Z. (2025). Study of global approaches to reversing the decline in birth rates and delaying marriage in the new generation. *Women Interdisciplinary Researches*, 22, 44-25. [In Persian]
<https://dorl.net/dor/20.1001.1.27831175.1404.7.1.1.8>
- Lee, G. (1982). *Family structure and interaction: A comparative analysis*. Minneapolis: University of Minnesota Press
- Macionis, J.J. (2017). *Sociology*. New York: Pearson.
- Marvell, T. B. (1989). Divorce rates and the fault requirement. *Law and Society Review*, 23, 543-567.
<https://doi.org/10.2307/3053847>
- Mashhadi Abbasi, M. & Shajari, N. (2023). The relationship between social support and couples' emotional resilience to divorce. *Proceedings of the Seventh National Conference on Interdisciplinary Research in Management and Humanities*, Tehran. [In Persian]
- Mehrpavar, F., Roshaneh, H. & Roshaneh, O. (2025). Studying the impact of cyberspace on divorce rates and marital satisfaction among couples aged 22 to 42. *Journal of Science and Engineering Elites*, 56, 128-140. [In Persian]
- Mohammadi, Z. (2021). Investigating the relationship between social, cultural and economic capitals with the tendency to divorce among women in port of Deylam. *Strategic Research on Social Problems*, 33(2), 55-72. [In Persian]
<https://doi.org/10.22108/srspi.2021.129419.1718>
- Montazer, R. & Razavi Ne'matollahi, V. S. (2024). Investigating the relationship between psychological flexibility and marital adjustment with the mediating role of ambiguity tolerance. *14th International Conference on Psychology, Educational Sciences, and Lifestyle*. Tehran. [In Persian]
- Nolan, P. & Lenski, G. (2014). *Human societies*. New York: Oxford University Press.
- Omidpour, A. Akbari, B. & Shakerinia, I. (2015). The effectiveness of meta-diagnostic treatment on agreeableness and emotional balance of women with emotional divorce. *Journal of Women and Family Studies*, 13(3), 11-1. [In Persian]
<https://doi.org/10.22051/JWFS.2025.47037.3082>
- Parsakia, K., Rostami, M. & Saadati, S. M. (2023). The relationship between emotional intelligence and marital conflicts using actor-partner interdependence model. *Journal of Psychosociological Research in Family and Culture*, 1(1), 23-28.
<https://doi.org/10.61838/kman.jprfc.1.1.6>
- Rahmani Dastjerdi, A. & Shahandeh, M. (2015). Comparison of sexual satisfaction, health-promoting behaviors and emotional divorce in married women with breast cancer and healthy women. *Journal of Psychology & Educational Sciences*, 88, 489-505. [In Persian]
- Ramezanifar, H., Kaldi, A. & Ghadimi, B. (2011). Studying the effect of social capital dimensions on emotional divorce. *Journal of Policing & Social Studies of Women and Family*, 9(2), 433-465. [In Persian]
<https://dorl.net/dor/20.1001.1.23224274.1400.9.2.3.7>

- Rezaei, M. & Skini, R. (2025). A comparative legal analysis of divorce systems in Iran and the United States: Legal foundations, judicial practices and implementation challenges. *Journal of Law Politics*, 63, 117-140. [In Persian]
- Salehi Golsfidi, R. (2025). Investigating the relationship between emotional self-regulation, marital commitment and cognitive flexibility. *Journal of Psychology and Educational Sciences*, 91, 433-446. [In Persian]
- Shoa Kazemi, M., Yadollahi, M., Nazifi, Z. & Farahani, Z. (2025). Phenomenological analysis of positive aspects of post- growth in divorced women in Tehran. *Clinical Psychology and Personality*, 45, 111-122. [In Persian]
- <https://doi.org/10.22070/cpap.2025.18953.1517>
- Soroush, M. & Alipourian, Z. (2022). A study of couple's cultural capital, marital conflicts and coping strategies in Shiraz. *Social Continuity and Change*, 1(1), 131-150. [In Persian]
- <https://doi.org/10.22034/jscc.2022.2763>
- Statistical Center of Iran. (2024). Statistical yearbook of 2023. Tehran: SCI Publication. [In Persian]
- Tavakoli, A. (2024). The effectiveness of communication styles training on the quality of communication between couples exposed to emotional divorce. *Journal of Applied Studies in Social Sciences and Sociology*, 7(30), 29-36. [In Persian]
- Tischler, H.L. (2010). *Introduction to sociology*. Singapore: Wadsworth Cengage Learning.
- Valentina, E. A., Chinyere, E. E. & Azuji, I. M. (2021). Emotional intelligence as correlate of marital satisfaction of married teachers in public secondary schools in Anambra State. *World Journal of Innovative Research*, 10(4), 122-127.
- Yu, Y., Wu, D., Wang, J. M. & Wang, Y. C. (2020). Dark personality, marital quality, and marital instability of Chinese couples: An actor-partner interdependence mediation model. *Personality and Individual Differences*, 154, 1-15.
- <https://doi.org/10.1016/j.paid.2018.06.003>